

افسانه شدن در رمان من افسانه هستم، نوشته ریچارد ماتسون: آخرین مآمن نشانه‌شناختی برای بقا

حسین محسنی

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

در *من افسانه هستم* (1954)، نوشته ریچارد ماتسون، خون‌آشام‌ها و قهرمان داستان به نام رابرت نویل - فردی که تنها بازمانده انسان‌ها در دنیای پساآخرالزمانی رمان است - به ترتیب در جایگاه افسانه قرار می‌گیرند. چرخه کامل و کیاسماتیکی جایگاه افسانه در رمان توسط الگوهای انتقادی پسااستعماری و نژادی خوانش شده است. در حالی که مطالعه حاضر سزاواری خوانش‌های انجام‌شده در این الگوها را تصدیق می‌نماید، در تلاش است ذات کیاسماتیکی جایگاه افسانه را توسط مفهوم انتقادی کورا - که توسط جولیا کریستولا بیان شده - خوانش کند. این خوانش موجب خواهد شد که جنبه سرکوب‌شده جایگاه افسانه در امر نمادین تبیین شود، و در عین حال، خصوصیت سرکش، تهدیدکننده و نشانه‌شناختی آن برای امر نمادین مشخص شود. مطالعه خوانش انتقادی خود را از خوانش‌ها و تحلیل‌هایی فاصله خواهد داد که بر این گمانند افسانه شدن در خود امری مقدس و غایت‌مدار را جا داده است. مطالعه بر این باور است که فرایند افسانه شدن مملو از تحولاتی است که غیرقابل‌بازنمایی هستند ولی خصوصیات سراسر مادی و ناهمگن دارند. این دو خصوصیت موجب می‌شوند سوژه‌هایی که در جایگاه افسانه قرار می‌گیرند هویت‌هایی در حال تغییر (متحرک) و از لحاظ نشانه‌شناختی سرکش، توانمندساز و در نتیجه کوریک به خود گیرند. در دنیای همواره در حال تغییر، پرآشوب و آخرالزمانی رمان، افسانه شدن می‌تواند بقای نشانه‌شناختی همیشگی سوژه را تضمین کند، ولو اینکه آن نتواند در امر نمادین به شکلی کامل بازنمایی شود.

واژگان کلیدی: افسانه؛ ماتسون؛ خون‌آشام؛ کریستولا؛ کورا؛ نشانه‌شناختی.

تعیین نفس در روایت گذشته:

بررسی حافظه خود-زندگینامه‌ای در حرف بزَن، خاطره اثر ولادیمیر ناباکف

رامین زهره (نویسنده مسؤول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سارا نازک‌دست

مربی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

خود-زندگینامه‌ها نه تنها تالیف‌هایی ادبی، بلکه کارکردهایی ذهنی نیز هستند. داستان‌هایی که همواره «خود» آشنای ما آن‌ها را روایت می‌کند، از آن خود می‌کند و باورشان می‌کند. با وسعت پیدا کردن خاستگاه اتوبیوگرافی و تعمیم آن به کارکردهای ذهنی، رابطه‌ی بین سه بخش سازنده‌ی این واژه‌ی یونانی: اتو (خود)، بیو (زندگی نامه) و گرافی (نوشتار) بیش از پیش بر ما روشن شده و افق‌های تازه‌ای برای بررسی مسئله‌ی «خود» و روایت داستانی آن در برابر ما گشوده خواهد شد. درمیان آثار برجسته‌ی ادبی اتوبیوگرافی، حرف بزَن، خاطره اثر ولادیمیر ناباکف در پرده برداشتن از شیوه‌هایی که خاطرات گذشته «خود» سوژکتیو انسان را روایت می‌کنند اثری منحصر بفرد محسوب می‌شود. گفتمان غیر مستقیم آزاد و پل زدن بر شکاف معرفتی میان حال و آینده، دو ویژگی بنیادین فرآیند ذهنی بخاطر آوردن هستند که در ساختار روایی ناباکف با چیره دستی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این پژوهش با تکیه بر نظریات مارک رولندز در حوزه‌ی معرفت‌شناسی حافظه، ساختار روایی حافظه‌ی اتوبیوگرافیک و نقش آن در شکل‌گیری «خود» در حرف بزَن، خاطره مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این پژوهش، در حرف بزَن، خاطره «خود» سوژکتیو در قالب یک انگاره‌ی مضمونی در عرض زمان، با القائات روایت‌های راوی اول شخص در شبکه‌ای از خاطرات که گذشته را بازسازی می‌کنند و استعلاء یافتن بر آن‌ها پدید می‌آید.

واژگان کلیدی: حافظه‌ی خود-زندگینامه‌ای؛ خود سوژکتیو؛ روایت‌های خاطره‌ای؛ گفتمان غیر مستقیم آزاد؛ انگاره‌ی مضمونی.

نمایش نمادین کودکان قرن بیست و یکم در اقتباس سینمایی مک‌بث ۲۰۱۵ به کارگردانی جاستین کرزل

یاسمن یاسی پور طهرانی

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، ایران

علی‌رضا انوشیروانی (نویسنده مسؤل)

استاد، گروه ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، ایران

لاله آتشی

استادیار، گروه ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز، ایران

چکیده

اقتباس سینمایی مک‌بث ۲۰۱۵ به کارگردانی جاستین کرزل به نمایش نمادین کودکان برای اشاره به تفکر غالب دوران الیزابت می‌پردازد. در این مقاله به بررسی دلیل ایجاد تغییر در شیوه به نمایش گذاردن مفهوم نمادین کودک می‌پردازیم. کرزل در اقتباس خود شخصیت‌های کودک متن اصلی را افزایش داده تا به اهمیت کودکان در عصر معاصر اشاره کند. به کمک بافت اجتماعی-تاریخی مربوط به فیلم، می‌توان دلیل افزایش کاراکترهای کودک در اقتباس را پیدا کرد. مدل دیالوگ بینامتنی رابرت استم کمک می‌کند تا ارتباط بین فیلم با صدمات روحی و جسمی وارد شده بر کودکان توسط جنگ مشخص شود. سرتاسر وقایع فیلم با خشونت‌های جنگی قرن معاصر در ارتباط است. کودکان سرباز، مادران و پدران سوگوار، و اختلال استرسی پساحادثه از معضلات جدی در قرن بیست و یک هستند. چنین معضلاتی نتیجه قدرت‌طلبی افرادی است که به گسترش خشونت و جنگ دامن می‌زنند.

واژگان کلیدی: دیالوگ بینامتنی؛ بافت فرهنگی-اجتماعی متن؛ کودکان؛ اختلال استرسی پساحادثه؛ جنگ.

کالاشدگی زنان در بررسی تطبیقی

نمایشنامه‌های خیانت اثر هارولد پینتر و ساحل آرمان شهر اثر تام استاپرد

حسین علیخان پورشاه آبادی

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

جواد یعقوبی دارابی (نویسنده مسؤول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بحث در مورد میل تقلیدی جیرارد در مقایسه خیانت هارولد پینتر و ساحل مدینه فاضله تام استاپرد است. جیرارد فیلسوف و منتقدی ادبی است که فرضیه او عمدتاً حول محور میل تقلیدی است. وی اینگونه اظهار می‌دارد که امیال ما خود جوش نیستند بلکه ما آن‌ها را از دیگران به عاریه می‌گیریم. چونکه انسان‌ها فکر می‌کنند که انگیزه و اشتیاق آن‌ها متعلق به خودشان است به همین سبب شیء یا فرد مورد دلخواه وسیله‌ای برای ایجاد رقابت می‌گردد. برای حل چنین مشکلی می‌بایست شیء یا فرد مورد علاقه قربانی شود تا بتوان نظم را مجدداً به آن ملت برگرداند و بدلیل اینکه زن‌ها در حاشیه جوامع مرد سالار قرار می‌گیرند می‌توان گفت که آن‌ها بیشتر در معرض قربانی شدن قرار می‌گیرند. گاهی اوقات واسطه‌گری مضاعف برای شخصیت‌هایی که میل دیگران را تقلید می‌کنند اتفاق می‌افتد که بنا بر آن میل آن‌ها در همان زمان مورد حسادت دیگران واقع می‌شود. بنابر این انسان بواسطه همین میل تقلیدیش افرادی را با آزمندی و ولع تمنا می‌نماید که به دیگران تعلق دارند. این امر همانطور که در نمایشنامه‌های مذکور پیدا است ممکن است به قیمت از دست رفتن و تبدیل شخصیت‌های زن به کالاهای مصرفی شود.

واژگان کلیدی: میل تقلیدی؛ واسطه؛ واسطه‌گری مضاعف؛ استفاده ابزاری؛ قربانی.

فمینیسم بوم‌گرای اجتماعی در برابر فمینیسم بوم‌گرای فرهنگی: رهایی و شب‌بخیر مامان اثر مارشال نورمن

احسان حبیبیان

دکتری ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران

کیان سهیل (نویسنده مسؤول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی دو تا از نمایشنامه‌های پیشگامانه‌ی مارشا نورمن به نام‌های *رهایی* (۱۹۷۷) و *شب‌بخیر مامان* (۱۹۸۳) در پرتو نقد فمینیسم بوم‌گرای می‌پردازد. از منظر نقد فمینیسم بوم‌گرای ساختارهای دوگانه و سلسله‌مراتبی فرهنگ مردسالارانه غربی دلیل سلطه‌جویی بر زنان و تخریب محیط زیست است. به طور کلی، مطالعات فمینیسم بوم‌گرای به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود: فمینیسم بوم‌گرای اجتماعی و فمینیسم بوم‌گرای فرهنگی. از این روی، نویسندگان مقاله با در نظر گرفتن تئوری‌ها و اعتقادات هر دو گروه نشان می‌دهند چگونه ساختارهای دوگانه و سلسله‌مراتبی سرمایه‌داری مردسالارانه به طور فرهنگی و اجتماعی به سرکوب و بهره‌جویی زنان و طبیعت می‌پردازد و سپس بیان می‌دارند چگونه نورمن در آثار خود این ساختارها را به چالش کشیده و به تضعیف آنان می‌پردازد. در پایان نتیجه‌گیری می‌شود درک نورمن از رابطه‌ی بین زن و طبیعت ارتباط نزدیک‌تری با اعتقادات و نظرات فمینیست‌های بوم‌گرای اجتماعی دارد تا فمینیست‌های بوم‌گرای فرهنگی و اینکه وی پیوند میان زن و طبیعت را بیشتر به مثابه‌ی یک محصول فرهنگی-اجتماعی در نظر می‌گیرد تا یک حقیقت زیست‌شناختی.

واژگان کلیدی: فمینیسم بوم‌گرای فرهنگی؛ محیط زیست؛ دوگانگی طبیعت-فرهنگ؛ مردسالاری؛ فمینیسم بوم‌گرای اجتماعی.

مصرف نمادین و رسانه:

خوانشی نقادانه از رمان کمتر از هیچ برت استن ایس

محسن خالصه دهقان

دکتری ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران

سید بختیار سجادی (نویسنده مسؤل)

دانشیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

مقاله حاضر دو مقوله مصرف و رسانه را که تاثیری بی‌بدیل بر جامعه معاصر آمریکا داشته مورد بحث قرار داده و رابطه بین مصرف و هویت فردی در ساختار این جامعه را به چالش می‌کشد. این پژوهش با اتکا به نظریه‌های انتقادی جان بودریار، شخصیت‌های داستانی برت استن ایس را به‌ویژه در رمان کمتر از هیچ که در وضعیت پسامدرن واقع گردیده‌اند بررسی می‌کند. وضعیتی که در آن تجربه مصرف امری لایتناهی بوده و مفاهیم سنتی هویت رنگ باخته‌اند. شخصیت‌های رمان‌های ایس در دو موضع خشونت و ملال معلق مانده‌اند و برآنند که روان خود را از ویرانی در این ناآرامی معاصر که محصول جامعه مصرفی آمریکاست برهانند. در چنین ادبیاتی، قهرمان داستان‌ها در دنیایی غوطه‌ورند که با مصرف و رسانه درصدد تسکین افراد برمی‌آید. این پژوهش، غرق شدن در مصرف و دنیای سیری ناپذیر کالاها و واکنش شخصیت‌ها در قبال آن را در رمان کمتر از هیچ نشان می‌دهد. درواقع، این امر مصرف و مالک بودن است که به شخصیت‌های داستان هویت می‌دهد و با اتکا به آن درصدد انزوا کردن خود از بی‌نظمی مهلک جامعه پسامدرن برمی‌آیند که دغدغه اصلی در تحلیل این رمان است.

واژگان کلیدی: مصرف؛ رسانه؛ بودریار؛ هویت؛ برت استن ایس و رمان پسامدرن.

ترس از آزادی:

اریک فروم و پرواز بر فراز آشیانه فاخته اثر کن کیزی

مریم سلطان بیاد

دانشیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، ایران

مehشید میرمعصومی (نویسنده مسؤل)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

تلاش برای یافتن آزادی همواره توسط عوامل بیرونی که به شکل های مختلف مانند حضور یک قدرت مطلق که انسان ها را به تسلیم وا می دارد، محدود شده است. اریک فروم (1900-80) روانشناس آلمانی در کتاب فرار از آزادی (۱۹۴۱) اهمیت آزادی فردی را خاطرنشان می شود و توضیح می دهد که در راه رسیدن به آزادی، انسان ها همواره سعی در رهایی خود از بندهای بیرونی دارند و این در حالی است که رهایی از بند قدرت مطلق و نپذیرفتن بردگی، احساس عدم امنیت و قدرت را در پی دارد. در پی جبران کردن این احساس ضعف و تنهایی، فرد یا خود را تسلیم قدرتی دیگر می نماید یا خود قدرت مطلق و زورگو می شود. در این مقاله، مفهوم آزادی اریک فروم در کتاب پرواز بر فراز آشیانه فاخته (۱۹۶۲) اثر کن کیزی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله دو مفهوم "آزادی از" و "آزادی به" که به ترتیب آزادی منفی و مثبت نامیده می شوند را مورد بررسی قرار می دهد و راه رسیدن به آزادی واقعی از دیدگاه فروم را نشان می دهد. آزادی واقعی رهایی از بندهای درونی است نه بندهای بیرونی و تنها قدرت عشق و روابط اجتماعی افراد می تواند انسان را از آزادی منفی به سمت آزادی واقعی سوق دهد.

واژگان کلیدی: قدرت مطلق؛ اریک فروم؛ آزادی از؛ آزادی به؛ تسلیم.

گفتگوی میان طبیعت و بشر در رمان آلیس گریس اثر مارگارت اتوود

فاطمه گلیپایگانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران

رویا یعقوبی (نویسنده مسؤول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران

چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از نقد اکولوژیکی به بررسی رمان آلیس گریس که در سال ۱۹۹۶ توسط مارگارت اتوود نوشته شده است می‌پردازد. تمرکز اصلی این نقد بر این است که ارتباطی بین ادبیات و طبیعت پیرامون پیدا کند. در همین راستا، نظریه‌پرداز اکولوژیکی گرگوری گررد به چگونگی این ارتباط دوسویه طبیعت و انسان و تاثیر آن‌ها بر همدیگر در سال ۲۰۱۶ می‌پردازد. او کتاب معروف نقد اکولوژیکی را در سال ۲۰۰۴ نوشت. گررد به بررسی مفاهیمی نظیر: آلودگی هوا، حیات وحش، زندگی، حیوانات و زمین می‌پردازد. این نوع آگاهی از آن جهت اهمیت دارد که از یک جهت به بحران‌های محیط زیستی در حال حاضر می‌پردازد و از جهتی دیگر به وقوع فاجعه‌هایی در آینده نیز اشاره دارد. به همین صورت، طبیعت می‌تواند استعاره‌ای از زندگی انسان را در محیط زیست نشان دهد. علاوه بر آن، زمین و محیط روستایی نیز تاثیر شگرفی بر شکل‌گیری شخصیت‌های داستان فوق و بشر در سرتاسر دنیا دارد که به آن‌ها اشاره خواهد شد. در این راستا، اتوود با خلق روش‌های نوین در بیان داستان به بحران محیط زیستی به عنوان عنصر اساسی در مسایل زیست محیطی می‌پردازد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش برشمردن ارتباط بین انسان و طبیعت بوده که در نهایت با ایجاد هماهنگی بین آن دو به نتیجه احتمالی دست یابد.

واژگان کلیدی: نقد اکولوژیکی؛ محیط زیست؛ زمین؛ زندگی؛ گیاهان.

سه گانه ای در باب تحول هویت: خوانش رمان های دیوید فاستر والاس

عبدالرضا گودرزی (نویسنده مسؤل)

مربی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران

مرتضی لک

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

پیشرفت فرهنگ و ادبیات در سه دوره متوالی مدرنیسم، پسامدرنیسم و پسا پسامدرنیسم از اواخر قرن بیستم را می توان یکی از عوامل بارزی دانست که منجر به زنجیره تحول انسان شده است. در مدرنیسم، برتری قدرت اصیل و حکومتی بر مردم مشهود بود و بعداً در عصر پسامدرنیسم یا سرمایه داری متأخر، مفهوم چندپارگی زندگی مردم را کنترل می کرد. اما در سومین دوره یعنی پسا پسامدرنیسم، نوعی انسان گرایی جدید توسط نویسندگان مبتکری مانند دیوید فاستر والاس معرفی شد که در فلسفه نگارش خود، نه تنها درد و محدودیت های انسان بلکه ابزارهای درمانی را نیز مورد توجه قرار می دهند. از طریق دروازه های فکری فلسفه والاس، به ذهنیت انسان جایگاه ویژه ای بخشیده می شود و به لطف فرصتی که در شبکه های اجتماعی بدست می آید، می تواند یک نوع اشتراک و ارتباط متقابل در میان افراد پراکنده از هم بوجود آورد. به عبارت دیگر، همه افراد بیگانه و محدود می توانند نقش عوامل فعال، ارتباط دهنده و تولید کننده را داشته باشند که خود دقیقاً برعکس انسان نظاره گر، منفعل، خواننده و ارتباط دهنده یک طرفه ای است که توسط ساختارهای دوره های گذشته تربیت شده است. بنابراین، هدف از مطالعه حاضر بررسی سه گانه دیوید فاستر والاس (۱۹۶۲-۲۰۰۸) شامل رمان های *جاری سیستم* (۱۹۸۷) *شوخی بی نهایت* (۱۹۹۶) و *پادشاه رنگ پریده* (۲۰۱۱) از نقطه نظر فلسفی خود والاس در باب پسا پسامدرنیسم است.

واژگان کلیدی: تحول هویت؛ انسان؛ پسا پسامدرنیسم؛ دیوید فاستر والاس.

جستجوی دیدگاه روایت شناسانه واژه‌ی تمرکز در داستان همسر خدای آشپزخانه اثر امی تن

تهمینه کرد قراچورلو

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

شهرام کیایی (نویسنده مسؤول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران

چکیده

ژرارد ژنت اعتقاد دارد که عبارت «دیدگاه» در داستان قادر به توضیح و شرح تفاوت‌های بین شخصی که می‌بیند و شخصی که روایت می‌کند، نمی‌باشد. بعد از سال‌ها مشاجره، او لغت تمرکز را پیشنهاد داد تا این تفاوت را روشن کند. واژه تمرکز بر روی لحظه‌ی دیدن، یا ادراک شخصی که می‌بیند تاکید می‌کند. ادراک بینشی می‌تواند هر یک از شخصیت‌های داستان را به درجه‌ی بالاتری از فردیت برساند. بعدها میک بال ابعاد دیگری به لغت تمرکز او اضافه کرد. مقاله‌ی حاضر بررسی داستان خدای آشپزخانه‌ی امی تن می‌باشد که در آن، قدرت درک دو شخصیت اصلی داستان در طول فرآیند رویدادها آشکار می‌شود. آنان مشاهده‌گرانی هستند که در لحظه‌ی مشاهده به درک بالاتری می‌رسند. این لحظه‌ی مشاهده و درک از مادر به دختر و از دختر به مادرانتقال می‌یابد. هدف این مقاله جستجوی مفهوم شخصیت «مشاهده گر درک کننده»، و «مشاهده‌گر راوی» در پرتو تئوری روایت شناسانه‌ی ژرارد ژنت و میک بال می‌باشد. بعلاوه، مقاله‌ی حاضر لحظات درک دو شخصیت اصلی داستان یعنی وینی مادر و پرل دختر را کاوش می‌کند. واژه تمرکز بر روی لحظه‌ی فهمیدن از طریق پیشرفت پیچیده‌ی داستان مورد بررسی قرار می‌گیرد، که چگونه به دو شخصیت داستان کمک می‌کند تا به مرحله‌ی والاتری از ذهنیت برسند و بر فاصله‌ی فی‌مابین غلبه کنند.

واژگان کلیدی: روایت؛ تفکر درونی؛ ارتباط؛ ادراک.

تأثیر شاخص‌های زبانی و اجتماعی-فرهنگی در نامگذاری مراکز تجاری اردبیل و تهران

ملاحات شعبانی میناباد

استادیار، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

صادق رجیبی (نویسنده مسؤول)

کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

نام‌گذاری مانند هر عمل دیگر، در زمینه اجتماعی و فرهنگی معینی انجام می‌شود و از این مؤلفه تأثیر می‌پذیرد. از این رو می‌توان از نام‌گذاری به مثابه یک کنش معنا دار، یک عمل فرهنگی و به تبع آن عامل اجتماعی یاد نمود. پژوهش حاضر مطالعه‌ای تحلیلی محتوا و از نظر هدف، کاربردی است که بر اساس نظریه سوسور (1986)، به بررسی عوامل زبانی، فرهنگی و اجتماعی در نام‌گذاری مراکز تجاری شهر اردبیل و تهران می‌پردازد. بدین منظور، از میان حدود ۸۰۰۰ مراکز خرید منطقه ده تهران و اردبیل با در نظر گرفتن خطاهای احتمالی، ۳۶۸ مرکز بر اساس جدول مورگان به صورت تصادفی به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق شامل پرسشنامه ساخته محقق که دارای سه بخش زبانی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. به منظور آزمون فرضیه‌ها، از آزمون تی مستقل و فریدمن استفاده شد. کلیه تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS20 و در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین نقش ابزارهای زبانی، فرهنگی و اجتماعی در نام‌گذاری مراکز تجاری شهر اردبیل و تهران ($p=0/001$) وجود دارد؛ و در نهایت شاخص اجتماعی تأثیر بیشتری و شاخص زبانی کمترین تأثیر را در نام‌گذاری فروشگاه‌ها و مراکز تجاری دارد.

واژگان کلیدی: شاخص زبانی؛ شاخص اجتماعی-فرهنگی؛ نام‌گذاری؛ مراکز تجاری.

اثربخشی دو روش تدریس در به حداقل رساندن خطاهای دستوری در ترجمه جملات فارسی به انگلیسی

مصطفی بهرامان (نویسنده مسؤول)

مرکز آموزش عالی کاشمر، کاشمر، ایران

رویا موحد

مرکز آموزش عالی کاشمر، کاشمر، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف تشخیص خطاهای دستوری دانشجویان ایرانی گرایش مترجمی زبان انگلیسی هنگام ترجمه جملات فارسی به انگلیسی و همچنین بررسی اثربخشی روش‌های تدریس دستور- ترجمه و آموزش زبان ارتباطی در به حداقل رساندن این خطاها انجام می‌شود. برای این منظور، خطاهای دستوری در ترجمه سی دانشجو شناسایی شدند. این خطاها براساس الگوی بدون شک این به معنای کم اهمیت جلوه دادن اثربخشی روش دستور- ترجمه نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد که این روش دارای تحلیل خطای کشاورز تحلیل و طبقه بندی و دانشجویان نیز به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول مطالب یادگیری را براساس روش دستور- ترجمه دریافت کردند و در گروه دوم از روش آموزش زبان ارتباطی استفاده شد. سپس بر اساس خطاهای مستخرج از پیکره‌ای که متشکل از ترجمه‌های دانشجویان بود، آزمون طراحی شد. مواد این آزمون از جلد‌های اول و دوم کتاب مادر انگلیش انتخاب شدند. در ادامه فراوانی خطاها در هر دو گروه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا میزان اهمیت استفاده از این روش‌ها در به حداقل رساندن خطاهای دستوری دانشجویان در ترجمه به انگلیسی تعیین شود. برای تعیین سطح معنی داری، مقدار احتمال برای خطاهای خام، روش‌های تدریس دستور- ترجمه و آموزش زبان ارتباطی محاسبه شد. تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که هر دو روش حائز اهمیت بودند. با این حال، روش ارتباطی کمی مؤثرتر از روش دیگر بود. نقش مکملی در محیط آموزش است و دستیابی به نتایج آموزشی بهتر را نمی‌توان فقط با یک روش واحد تجویز کرد.

واژگان کلیدی: تحلیل خطا؛ خطاهای دستوری؛ دستور-ترجمه؛ آموزش زبان ارتباطی؛ ترجمه.